

جهان پس از مرگ در آئین‌های توحیدی

مفهوم بهشت و دوزخ که از ضوابط بنیادی آئین‌های توحیدی است و نقش بسیار مهمی در زندگی روزمره مسیحیان و مسلمانان دارد، به خلاف آنچه منطقی‌اً انتظار می‌توان داشت در هر کدام از این سه آئین با دو تای دیگر متفاوت است و درک چنین تضادی در برداشت‌های ماوراء الطبیعه سه آئینی که خدای مشترک و بنابراین حقایق مذهبی مشترک دارند از دیرباز برای بسیاری از مفسران مذهبی دشوار بوده است، زیرا که در یکی از این آئین‌ها اساساً وجود بهشت و دوزخی منظور نشده است و آنچه هم که امروز در این زمینه در آن وجود دارد بعدها و آن هم به صورتی کاملاً مبهم بدان افزوده شده است، در دیگری فقط از دوزخ به صورتی کمابیش مشخص سخن می‌رود و بهشت ماهیتی صرفاً معنوی دارد که از آن توصیف روشنی به عمل نیامده است، در سومی به طور مشخص بهشت به صورت باغی پهناور و همیشه سرسبز و پر از جوی‌های شیر و عسل و شراب طهور و درختان میوه‌دار و حوریان و غلامان بهشتی و جهنم به صورت سیاه‌چالی آتشین و آکنده از شیاطین تازیانه بر دست و آب جوشان و غذای چرکین و درخت زقوم توصیف شده است.

در آئین یهود، چنانکه قبلاً گفته شد، تا زمان اسارت بابلی یهودیان در قرن ششم پیش از میلاد مسیح اصولاً برداشت مشخصی از زندگی در جهان دیگر و طبعاً از بهشت یا جهنم وجود نداشت و ارواح مردگان جملگی در مکان تاریک و سرد و خاموش به نام شئول می‌زیستند که قلمرو ظلمت و سکوت بود و در محلی در زیر زمین، یا در ژرف‌نای اقیانوس نامتناهی کائنات، یا در مکان ناشناخته‌ای که هر شامگاه خورشید در آنجا غروب می‌کند و

ظلمات را به دنبال خود می‌آورد قرار داشت. در این دیار خاموشان همه مردگان مرد و زن و نیکوکار و شریر در کنار هم به سر می‌بردند و امتیازی بر یکدیگر نداشتند، زیرا پاداش و کیفر افراد در همین دنیا و همین زندگی داده می‌شد. کسی که بیشتر و بهتر به فرامین و دستورهای یهوه اطاعت می‌کرد (و نه کسی که نکوکارتر و پاک‌تر بود) از زندگی درازتر و رفاه‌یادتری برخوردار می‌شد و کسی که در پیروی از اوامر یهوه قصور می‌کرد به مرگ زودرس گرفتار می‌آمد (کتاب مزامیر، مزمور دهم، ۲۷، مزمور یازدهم، ۹، مزمور هفتاد و سوم، ۱۸، کتاب ایوب، باب بیست و هفتم، ۷) در مورد پاداش و کیفر دسته‌جمعی قوم یهود نیز به همین ترتیب عمل می‌شد: «اگر به فرائض من سلوک نمائید و اوامر مرا به جا آورید آنگاه باران‌های شما را در موسم آنها خواهیم داد و زمینان محصول فراوان خواهد آورد و درختان‌تان میوه خوب خواهند داد و خرمن شما تا رسیدن انگورتان کوفته خواهد شد و نان خود را به سیری خواهید خورد و دشمنان خود را دنبال خواهید کرد و همه را به شمشیر خواهید کشت، و من نیز بر شما التفات خواهم کرد و درمیان شما خواهم خرامید و خدای شما خواهم بود» (سفر لاویان، باب بیست و ششم ۳-۱۲). و اگر فرائض مرا آن طور که فرموده‌ام به جا نیاورید، برایتان خوف و سل و تب خواهم فرستاد و آسمان‌تان را مثل آهن و زمین‌تان را مثل مس خواهم کرد و وحوش صحرا را بر شما خواهم فرستاد تا شما را بی‌اولاد کنند و حیوانات‌تان را به هلاکت رسانند، و ده زن نان شما را در یک تنور خواهند پخت، گوشت پسران خود را خواهید خورد و گوشت دختران خود را خواهید خورد و شمشیر را در عقب شما خواهم کشید» (سفر لاویان، باب بیست و ششم، ۱۵-۳۳).

اعتقاد به بقای روح و جهان بعد از مرگ و روز حساب و بهشت و دوزخ تنها در دوران

آشنائی یهودیان با ایران زرتشتی و حکومت دویست ساله هخامنشی بر سرزمین فلسطین در دین یهود راه یافت.^۱ در این برداشت‌های تازه گناه‌کاران در جهان دیگر در مرگ ابدی باقی می‌مانند، ولی ثواب‌کاران به بهشتی می‌رفتند که نظیر باغ عدن آفرینش چهار رودخانه داشت: یک رود عسل برای پیغمبران اسرائیل، یک رود شیر برای کودکان اسرائیل، یک رود شراب برای شیوخ مذهبی اسرائیل و یک رود روغن برای سایر مومنین یهود. در این بهشت محرابی وجود داشت که در تمام مدت داود پیغمبر در آن به نواختن عود و خواندن سرودهای مزامیر مشغول بود.^۲

در انجیل تقسیم ارواح مردگان به دو گروه نیکان و بدان، که بر اساس آن نیکان به بهشت می‌روند و بدان به دوزخ، در روزی به نام روز قیامت یا روز حساب انجام می‌گیرد که برای نخستین بار در انجیل متی از آن سخن رفته است:

«... در آن روز پسر انسان (عیسی) بر تخت پادشاهی خود خواهد نشست، و تمام مردگان در حضور او گرد خواهند آمد و وی آنان را به دو گروه آمرزیدگان و ملعونان تقسیم خواهد کرد. آنگاه به آنانی که در سمت راست او هستند خواهد گفت: ای کسانی که از جانب پدر من برکت یافته اید، بیایید و وارث آن پادشاهی شوید که از آغاز آفرینش عالم برای شما آماده شده است، زیرا که شما وقتی که گرسنه بودم به من خوراک دادید، وقتی تشنه بودم آب دادید، وقتی برهنه بودم مرا پوشانیدید و وقتی که غریب بودم مرا به خانه خود بردید. و نیکان پاسخ خواهند داد: ای خداوند، ما تو را هیچ‌وقت گرسنه یا تشنه یا برهنه و یا غریب

۱- به فصل مربوط به تأثیر معتقدات زرتشتی در آئین‌های توحیدی مراجعه شود.

۲- در حماسه بابلی گیلگمش نیز، پادشاه و پهلوان داستان در پایان زندگی وارد باغی آسمانی می‌شود که درخت خدایان در مرکز آن قرار دارد و شاخه‌های آن از فیروزه ساخته شده‌اند.

ندیدیم که چنین کرده باشیم، ولی عیسی در جواب خواهد گفت: بدانید که آنچه به یکی از کوچک‌ترین برادران من کردید به خود من کردید. و پس از آن به ملعونان خواهد گفت: از من دور شوید و به آتش ابدی که برای ابلیس و شیاطین او آماده شده است بروید، زیرا که وقتی که گرسنه بودم به من خوراک ندادید، وقتی تشنه بودم به من آب ندادید، وقتی برهنه بودم مرا نپوشانید و وقتی غریب بودم به من مسکن ندادید و آنان جواب خواهند داد: کی ما تو را گرسنه یا تشنه یا غریب و یا عریان دیدیم و کاری برایت نکردیم؟ ولی عیسی خواهد گفت: بدانید که آنچه از یکی از کوچک‌ترین برادران من مضایقه کردید از من مضایقه کردید. پس از آن، نیکان به حیات جاودانی وارد خواهند شد و بدان به کیفر ابدی خواهند رسید» (متی، باب بیست و پنجم، ۳۱-۴۵).

در رساله «مکاشفه پطروس رسول» که کلیسا آن را در متون رسمی عهد جدید منظور نداشته است، ولی نمایانگر گویائی از معتقدات اولیه مسیحیان درباره بهشت و جهنم است، دوزخ سرزمینی ظلمانی توصیف شده است که در آن رودهایی از آتش جاری است و دریائی از آتش گناه‌کاران را در درون خود جای داده است، و سیاه‌چال‌هایی در آن وجود دارند که در آنها دوزخیان در معرض نیش مارها و عقرب‌ها قرار دارند و در میان خون و نجاست و مدفوعات متعفن به سر می‌برند که زنان گناه‌کار تا گلو در آن فرو می‌رود، و گاه نیز این گناه‌کاران در دریائی از یخ جای دارند. در برخی از رساله‌های عهد جدید مسیحیانی که تعمید گرفته اند در کیفر گناهان خود از امتیازات خاصی برخوردارند، یعنی مستقیماً در جهنم جای داده نمی‌شوند، بلکه در مکانی به نام برزخ که حکم پیشخوان جهنم را دارد متوقف می‌شوند، تا شاید بعداً مورد بخشش قرار گیرند. کلیسای کاتولیک که روزی خاص به نام روز ارواح دارد

عقیده دارد که از راه صدقه و دعای بستگان می‌تواند برای نجات این برزخیان به درگاه خداوند شفاعت کند. با این همه این کلیسا عقیده «اورینگنس» قدیس قرن سوم را که سرگردانی ابدی این برزخیان با بخشش و رحمت الهی مسیحیت سازگار نیست و اینان سرانجام جملگی بخشیده خواهند شد نپذیرفته و حتی او را متهم به بدعت کرده است.

درباره بهشت و ماهیت آن در عهد جدید توضیح مشخص داده نشده است. در انجیل لوقا یک بار از قول عیسی آمده است که به مردی که همزمان با او به صلیب کشیده شده، «امروز با من در فردوس خواهی بود» (لوقا، باب بیست و سوم، ۴۳). در رساله دوم به قرتیان، پائولوس می‌نویسد: من شخصی را می‌شناسم که چهارده سال پیش به آسمان سوم بالا برده شد و می‌دانم که این مرد به بهشت برده شده بود» (فصل دوازدهم، ۲-۳). کامل‌ترین توصیف بهشت مسیحی را در عهد جدید در نامه اول پائولوس به تسالونیکان می‌توان یافت:

«ما این را به حکم خدا به شما می‌گوئیم: آن کسانی از ما که تا روز آمدن خداوند زنده می‌مانند زودتر از مردگان صعود خواهند کرد، بلکه در همان وقت که فرمان الهی صادر می‌شود و رئیس فرشتگان ندا در می‌دهد و شیپور خدا به صدا درمی‌آید خود خداوند از آسمان به زیر خواهد آمد و آنگاه کسانی که در ایمان به مسیح مرده اند زودتر از دیگران برخواهند خاست. سپس آنهایی که در میان ما هنوز زنده مانده اند همراه با آنان در ابرها بالا برده خواهند شد تا در آسمان با خدا ملاقات کنند. از آن پس ما همیشه در کنار خداوند خواهیم بود» (رساله اول پائولوس رسول به تسالونیکان، باب چهارم، ۱۶-۱۷).

در قرآن در ۳۰ سوره و ۷۰ آیه از روز قیامت به تفصیل یاد شده است. این روز که معادل با پنجاه هزار سال زمینی است با صوراسرافیل آغاز می‌شود (ابراهیم، ۷۳، کهف، ۹۹) و به

دنبال آن دگرگونی عظیمی در کائنات صورت می‌گیرد که توصیف آن در سوره تکویر چنین آمده است: «آنگاه که خورشید فروغ خود را از دست بدهد، و ستارگان تاریک شوند، و کوه‌ها از جای کنده شوند، آنگاه که شتران آبستن به حال خود رها گردند، و حیوانات وحشی به دور هم گرد آیند، و دریاها به جوشش در آیند، و ارواح با یکدیگر در آمیزند، آنگاه که نامه اعمال کسان گشوده شود، آسمان جای خود را عوض کند، و تنور دوزخ فروزان گردد، و بهشت نزدیک آورده شود، هر روانی خواهد دانست که بابت چه اعمالی می‌باید جواب پس بدهد» (تکویر، ۱-۱۳) و در سوره بعد از آن، افزوده شده است که: «آنگاه که آسمان بشکافد، و ستارگان پراکنده شوند، و دریاها از مرزهای خود فراتر روند، و تابوت‌های مردگان واژگون گردد، هر روانی بر آنچه از خوب و بد کرده است آگاهی خواهد یافت» (انفطار، ۱-۵). در این روز که روزی وحشتناک (انعام، ۱۵)، روزی پر رنج (هود، ۲۶)، روزی پر حسرت (مریم، ۳۹)، روزی بازماندن دیدگان از بینائی (ابراهیم، ۴۲)، روزی دشوار (قمر، ۸)، روز موعود (بروج، ۲)، روزی برگشت‌ناپذیر (روم، ۴۳) خوانده شده است. همه مردگان از گورهای خود برخوانند خواست (ق، ۴۲)، و به پای ترازوی حساب برده خواهند شد (لقمان، ۳۳) تا ثواب‌ها و گناهان آنان سنجیده شود (مومنون، ۱۰۲-۱۰۴). آنگاه به دنبال یک داوری عادلانه که ذره‌ای در آن تخلف نمی‌شود گروهی از آنان برای همیشه به بهشت خواهند رفت و گروهی دیگر به دوزخ خواهند افتاد تا به صورت ابدی در آن بمانند (بقره، ۴۸). مسیر ارواح در رفتن به بهشت یا دوزخ، پلی است که در قرآن «صراط الجحیم» نامیده شده است و در اصطلاح جاری بدان پل صراط می‌گویند (صافات، ۲۲). هنگام عبور بهشتیان این پل صورتی پهن و زمینی نرم و هموار دارد، ولی در موقع گذشتن دوزخیان به باریکی یک مو و به تیزی یک شمشیر در

می‌آید.

نزدیک به سیصد بار در قرآن از دوزخ به صورت جهنم و جحیم نام برده شده (که هر دو اصطلاح از تورات گرفته شده اند).^۱

در همه آیات، از آتش سوزان و تنور گداخته و شعله‌های فروزان دوزخ سخن رفته است، و از این که دوزخیان جاودانه در این آتش خواهند ماند و هرگز از آن رهائی نخواهند یافت. دیوارهای دوزخ از آتش ساخته شده اند و درون آنها آکنده از باد سوزنده و آب‌های خروشان و دود غلیظ است (واقعه، ۴۲-۴۴)، دست و پای هر دوزخی در زنجیری هفتاد زرعی بسته شده است که با آن به آتش کشانده می‌شود (حاقه، ۳۰) و بر سرش آب جوشان ریخته می‌شود (دخان، ۴۷) و گرز آهنین کوفته می‌شود (حج، ۱۹) و آتش از بالا و پائین و از همه سو او را در میان می‌گیرد (عنکبوت، ۵۴)، جامه او از آتش است (حج، ۲۲)، و چهره او نیز از آتش پوشیده شده است (مومنون، ۱۰۳)، و هر زمان که پوست تنش در آتش بریان شود پوستی تازه بر او می‌روید تا عذابش ادامه یابد (نساء، ۵۶). دوزخی می‌کوشد تا از شعله‌های آتش بگریزد، اما هر بار ملائک جهنم بدو بانگ می‌زنند که به جای خود باز گردد و عذاب دوزخ را بچشد (سجده، ۲۰). در اعماق دوزخ درختی تلخ روئیده است که میوه‌هایی به شکل سرهای شیطان دارد و دوزخیان این میوه‌ها را می‌خورند و روده‌هایشان در شکم‌ها پاره می‌شود (صافات، ۶۲) و هنگامی که از تشنگی فریاد بر می‌آورند، مأموران دوزخ بدانان آبی چرکین می‌نوشانند که عطش‌شان را زیادت‌تر می‌کند (ابراهیم، ۱۶). و چون از خداوند درخواست خروج از دوزخ را می‌کنند تا گناهان گذشته خویش را جبران کنند، خداوند بدانان پاسخ می‌دهد که

۱- دره جهنم در نزدیکی اورشلیم در اصل از مراکز پرستش مولوخ خدای بزرگ کنعانیان بود که در دوران استیلای رومیان محکومان به مرگ در آنجا به صلیب کشیده می‌شدند. نام این دره از مالک اولیه آن به نام هنم گرفته شده بود که بعداً به صورت جهنم در آمد و مرادف با دوزخ شناخته شد.

عذاب آنان هرگز فروکش نخواهد کرد. و مرگ تازه‌ای نیز برایشان مقدر نخواهد شد، زیرا که برای ستمکاران یار و یابوری نیست (فاطر، ۳۷).^۱

۱۳۵ بار نیز از بهشت به صورت جنت و جنات، ۱۰ بار به صورت عدن و دو بار به صورت فردوس نام برده شده است.^۲ در همه این موارد بهشت مفهوم باغی بزرگ را دارد که بهشتیان زندگانی آن جهانی خود را جاودانه در آن می‌گذرانند و از نوع لذایذ جسمانی برخوردارند. این باغ در قرآن به صورت دارالسلام (خانه آرامش) و مقعدالصدیق (نشیمنگاه راستی) و جنات خلد (باغ‌های ابدی) توصیف شده است، که پهنای آن به اندازه آسمان و زمین است (آل عمران، ۱۳۳) و در مکانی بسیار بالا جای دارد (حاقه، ۲۲) و در آن جوی‌های بسیار (بقره، ۲۵) و چهار رودخانه اصلی (محمد، ۱۵) جریان دارند و چشمه‌ها از زمین می‌جوشند (حجر، ۴۵) و چمنزارهای آن همواره به گل آراسته اند (روم، ۱۵). میهمانان بهشتی (بقره، ۸۲) در این سرای جاودانی از سعادت ابدی برخوردارند (نساء، ۱۳) و از پاداشی بی‌کران بهره می‌برند (مائده، ۹). میوه‌های بهشتی همواره در دسترس‌شان است (یس، ۵۷) و نوشیدنی‌های فراوان (صافات، ۴۵) و شراب پاک (مطففین، ۲۵) که توسط حوریان بر آنها عرضه می‌شود (دخان، ۴۴)، حوریانی سپیداندام و فراخ‌چشم (طور، ۲۰)، به لطافت مرواریدهایی در صدف (واقعه، ۲۳) که در کنارشان زیر سایبان‌ها می‌آرامند (یس، ۵۶) و پیش از آن دست هیچ جن یا آدمی بدانان نرسیده است (الرحمن، ۵۶) و به زیبایی یاقوت و مرجان اند (الرحمن، ۵۸)، و همیشه باکره اند

۲- در میتولوژی آشوری که احتمالاً منبع اصلی دوزخ‌های «توحیدی» است، دوزخ در زیر زمین قرار دارد و دارای هفت طبقه است که دوزخیان برحسب طبقه‌بندی گناهان خود در آنها جای دارند، و هفت حصار بر دور آن کشیده شده است. خوراک دوزخیان خاک و گل است، و راه ورود بدان رودخانه‌ای است که رود ظلمت نامیده شده است.
 ۳- این کلمه فارسی، به همین صورت، هم در تورات، هم در انجیل و هم در قرآن آمده است. در غزل غزل‌های سلیمان گفته شده است: «عروس من فردوسی است که درهایش بسته است» (غزل غزل‌ها، باب چهارم، ۱۲)، و در انجیل آمده است: «... و عیسی در بالای صلیب به او گفت امروز با من در فردوس خواهی بود» (لوقا، باب بیست و سوم، ۴۲)، «می‌دانم که این مرد به فردوس برده شد» (رساله دوم پائولوس به قرنتیان، باب دوم، ۴) «کسی که رستگاری شود از درخت زندگانی که در فردوس خدا می‌روید خواهد خورد» (مکاشفه یوحنا، باب دوم، ۷). در قرآن در دو سوره اسری، آیه ۱۰۷ و مومنون، آیه ۱۱، این کلمه به همین صورت فردوس به کار رفته است.

(واقعه، ۳۶)، و نیز پسرانی جوان (غلمان) که در جام‌ها و صراحی‌ها باده گوارا که درد سر نمی‌آورد و میوه‌هایی از هر قسم که برگزینند و گوشت‌های پرندگان از هر نوع که خواسته باشند بر آنان دور می‌گردانند (واقعه، ۱۷-۲۱).

بهشتیان جامه‌هایی از استبرق سبز بر تن و دست‌بند‌هایی زرین در دست دارند (کهف، ۳۱) و بر تخت‌هایی نشسته‌اند که فرش‌هایی زیبا بر آنها گسترده است، بر بالش‌هایی از حریر سبز تکیه می‌زنند (رحمن، ۷۶)، در کنار حوریانی درشت‌چشم و کوتاه‌نگاه (که جز به مصاحب‌شان نمی‌نگرند) و گوئی دیدگان‌شان بیضه‌های در پرده پوشیده ماکیان‌اند (صافات، ۴۸، ۴۹).^۱

۱- غزالی در احیاء علوم الدین، اثر معروف و معتبر خود، از قول پیامبر اسلام نقل می‌کند که به هر مرد مسلمانی که به بهشت می‌رود دقیقاً چهارصد حوری باکره و پانصد حوری دست‌دوم و هشت هزار بیوه برای همسری تعلق می‌گیرد (جلد چهارم، چاپ قاهره، ۱۳۴۸ هجری).

تایپ شده توسط: آرش آریامنش